

دام جهانی شدنی ، تعرض به دمکراسی و رفاه

نوشته ی هانس پتر مارتین و هارالد شومن

ترجمه ی فریبرز جعفرپور

بخش دوم

(قسمت اول)

همه چیز در همه جا

شدت جهانی شدن و فرسودگی جهانی

دهقانان به اربابان تعلق داشتند و اربابان به دهقانان ، لیکن اکنون همه چیز درهم برهم است . کسی دیگر سر از کار جهان در نمی آورد

از گفته های فیرس خدمتکار در باغ آلبالو اثر آنتون چخوف

جهان یکی می شود . و در ابتدا کره ای بود بنام کره ی خاک .

فاصله ی هوایی شنگدو از پکن و هنگ کنگ سه ساعت و از لهاسا واقع در کشور تبت دو ساعت است . شنگدو به عنوان مرکز ایالت اسزچوان چین حد اکثر می تواند برای دوستاران غذاهای چینی نامی آشنا باشد . مسافران خارجی تنها در توقف های ناخواسته ی هواپیماها به این شهر نزدیک می شوند . شنگدو اکنون ۳،۴ میلیون نفر جمعیت دارد و در میان شهرهای غول آسای جهان یکی از سریعترین درصدهای رشد را دارا می باشد .

در میان اسکلت های آسمان خراش های نیمه کاره ، تصاویر نقاشی شده ی مائو که اکنون دیگر در چهره اش نشانی از پیشرفت کشور دیده می شود ، به چشم می خورد . تابلوهای رنگارنگی همچون صفحه های تلویزیون های غول آسا از و رای گرد و غبار خیابان های مملو از آدم ولی هنوز اسفالت نشده ، نظر رهگذران را به خود جلب می کنند . بر روی این تابلوها تصاویر ویلاهای یک طبقه ی صورتی رنگی با چمن های سرسبز ، استخرهای

آبی رنگ و يك زوج خوشبخت چيني كه در كنار اتومبيلي روباز ايستاده است ، ديده مي شود. (۱)

در آنسوي كره ي زمين ، در اعماق جنگل هاي آمازون در نزديكي مرزهاي بليوي و برزيل نيز تصاوير خيابان ها همان نويد را مي دهند. كنسرن ساختماني مندرس جونيور از سان پاولو در درون جنگل هاي بكر با تابلوي عظيمي براي ويلاهاي زيباي مدل آمريكائي — ليكن نابود كننده ي طبيعت — تبليغ مي كند. در كلبه هاي خرابه اي در ساحل رودخانه ي پوروس چند جوان كابوكلوزي يعني اعقاب دورگه ي سرخ پوستان و بردگان سياهپوست ، در باره ي اندازه هاي كمر و باسن پاملا اندرسن هنرپيشه ي سرپال آمريكائي " باي واچ " چنان گرم در صحبت اند كه گويي وي يكي از دختران همسايه شان است . دلالان چوب با دادن دستگاه هاي ويديو و نوارهاي فيلم هاي هاليوود به اندك بازماندگان قبائل سرخپوست ايالت روندونيا، آخرين درخت هاي ماهگونگي دهكده هایشان را به تاراج مي برند. (۲)

جذبۀ ي تصاوير متحرك حتي سرخپوستان آينومامي را كه منحصر به فرد بودنشان نظر بسياري از انسان ها را به خود جلب نموده است ، نيز سحر کرده است . جوانان احتمالا آخرين شانگيلاي موجود در بهوتان نيز به همين سرنوشت دچار گشته اند . در اين ديكتاتوري طبيعي بودايي در كوهپايه هاي هيماليا مردم موظفند هميشه روپوشي بلند بر تن داشته باشند و با وسايل قرون وسطايي زمين هایشان را شخم بزنند . معذالك آن ها آن عده از هموطنانشان را كه بر روي لباس مليشان كتي چرمي مي پوشند و فيلم هاي ويديويي آمريكايي كپي شده در هندوستان را مي فروشند، تحسين مي كنند. (۳)

حتي در دورترين بخش شرقي روسيه نيز ديگر همه فيلم "نور كلان" را مي شناسند. رئيس فرودگاه كاباروسك از اينكه توريست ها تصور مي كنند كه وي مجله ي آلماني "اشپيگل" را نمي شناسد، ناراحت است. زيرا او هر هفته دستچيني از مطالب اشپيگل را كه در روزنامه ي محلي شان چاپ مي شود ، مي خواند. (۴) در كوپاكابانا نيز يك دوره گرد ساحلي در اواخر هفته پرچم آلمان را بر فراز بساطش به اهتزاز در مي آورد . البته نه بدین خاطر كه گويا اين مرد سياهپوست از اعقاب ناسيوناليست هاي ژرمني است ، بلكه بيشتر به آن خاطر كه او " عدالت حاكم در آلمان را كه در آن حتي مردم عادي نيز فقير نيستند" مي ستايد. (۵)

بيشك اگر امروزه بشريت مي خواست در مورد زندگي خويش در تمامي جهان در آن واحد راي گيري نمايد، قادر به اين كار مي بود. زيرا بيش از ۵۰۰ ماهواره ي فعال دائما زمين را با امواج راديو — تلويزيوني دنياي مدرن تغذيه مي نمايند. تصاوير يكساني از صفحه هاي يك ميليارد تلويزيون آرزوهاي واحدي را در امور، جانگتسه ، آمازون و سواحل رودخانه ي نيل بر مي انگيزند. آنتن هاي ماهواره اي و باطري هاي آفتابي ميليون ها انسان را حتي در مناطقي همچون نيجريه كه از نعمت برق محروم مي باشند، به قول برتراند شنايدر مدير كل (كلوپ روم) "از زندگي روستائيشان كنده و به ابعادي جهاني پرتاب نموده است." (۶)

نبرد دفاعی رژیم چین بر علیه نامبر و ای_مایل و فرستنده های تلویزیونی دنیای سرمایه داری ، بیشتر در خدمت حفظ قدرت خویش است تا دفاع از نظام اجتماعی سوسیالیستی. در جاهایی همچون کره ی شمالی و کشورهای اسلامی که تصاویر تلویزیونی دنیای کالا هنوز ممنوع می باشند، عکس ها و داستان های این دنیا مشتاقان فراوان دارند. حتی در ایران نیز موسیقی آمریکایی سبک (هوی) در میان نوجوانان اقشار متوسط محبوبترین موسیقی است. (V) آیت الله ها نیز دیگر قادر به کنترل حریم هوایی خویش نیستند.

در تمامی طول تاریخ هیچگاه انسان ها این همه اطلاعات در مورد بقیه ی جهان نداشته اند. برای اولین بار در تاریخ بشر، رؤیای واحدی از هستی ، انسان ها را به هم پیوند می دهد.

اگر تقریباً ۶ میلیارد سرنشینان زمین واقعا می توانستند در یک رفتارندوم شکل زندگی مورد آرزوی خویش را انتخاب نمایند، بیشک اکثریت عظیمی از آنها شکل زندگی طبقات میانی شهرک های اطراف سانفرانسیسکو را بر می گزیدند. شاید یک اقلیت متخصص و مطلع مضافاً الگویی اجتماعی آلمان را قبل از فروریزی دیوار برلین ، انتخاب می کرد. اما بیشک ترکیب لوکسی از یک زندگی کارآیی و امنیت اجتماعی سوئدی برترین رؤیایها می بود.

دیسنی بر تر از همه چیز

چرا تصویر دلخواه یک زندگی کالیفرنایی توانسته است در تمامی جهان غالب گردد؟ چرا دیسنی بر همه چیز پیروز گشته است ؟ بیشک وسعت بازار ملی آمریکا، عظمت ژئو پولیتیکی اش بعد از جنگ جهانی دوم و قدرتش در میدان های نبرد تبلیغاتی جنگ سرد، اگر چه نه تنها نقش ، اما نقش تعیین کننده ای در این امر بازی نموده است. یا برعکس بگوئیم: استالین توانایی بزرگ را می خواست ، لیکن میکی ماوس به حضور بزرگ دست یافت.

مایکل آیسنر فرمانروای وسائل ارتباطی و رهبر و رئیس هیئت مدیره ی کمپانی والت دیسنی می گوید: "تفریحات آمریکایی امکانات فردی متعددی را عرضه می کنند. انتخاب فردی و شکل بیان فردی. و این آن چیزی است که مردم در همه جا طالب آن هستند. این فروشنده ی محصولات هالیوود بی هیچ دغدغه خاطری اضافه می کند: "صنعت تفریحات آمریکایی در اثر آزاد بودن خلاقیت در آن ، ویژگی هایی را دارا می باشد که در هیچ کجای جهان یافت نمی گردند. (۸)

در حال حاضر یکی از مهمترین منتقدین وی بنجامین ار بابر مدیر مرکز والت وایتمن در دانشگاه راتگر نیوجرسی است. وی که خالق اصطلاح "جهاد بر علیه جهان مک ها" می باشد، نظریه ی " وجود امکانات فردی " ایسنر را "یک دروغ آشکار" می نامد. "این افسانه دو مسئله ی اساسی را نادیده می گیرد.

يکي نوع اين انتخاب و ديگري آرزوهاي ظاهرا خود مختار آن را. در بسياري از شهرهاي امريکا انسان مي تواند براي مثال از ميان چندين دو جين انواع اتومبيل ، اتومبيل مورد علاقه اش را انتخاب نمايد، ليکن کسي نمي تواند وسائل نقليه ي همگاني را برگزيند. زيرا چنين وسائلي وجود ندارند. هنگاميکه بودجه ي ساليانه ي صنعت تبليغات ۲۵۰ ميليارد دلار است ، چگونه مي توان اين ادعا را پذيرفت که گويا بازار آنچه را که مردم مي خواهند به آنها عرضه مي کند؟ آيا فرستنده ي تلويزيوني ام. تي. وي. چيزي جز يك نهاد تبليغاتي جهاني بيست و چهار ساعته براي صنعت موزيك مي باشد؟

به عقیده ي باربر موفقيت کامل اصل "استعمار فرهنگ جهاني توسط ديسني" به خاطر پديده ايست که به قدمت خود تمدن بشري مي باشد. پديده ي انتخاب ميان سخت و آسان ، آهسته و سريع ، پيچيده و ساده. مقوله هاي اولي هميشه با کارآيي هاي اعجاب آور فرهنگي همراه بوده اند و دومي ها نشانه هاي "بي تفاوتی ها، بي رمقي ها و تبلي هاي ماست. ديسني ، مک دونالد و ام. تي. وي. همگي تبليغ هر چيز ساده ، سريع و آسان را مي نمايند. (۹)

ناتان کاردلز محقق آینده شناس کاليفرنيايي چشم انداز خسته کننده ي زمان حال را چنين توصيف مي نمايد: "صرفنظر از اينکه ايسنر يا باربر دليل پيروزي هاليوود را صحيح تشخيص داده باشند يا نه ، موفقيت هاليوود همه جا قابل رؤيت است. عکس هاي سيدني گرافورد و پوکیو هونتيس همچون مجسمه هاي لنين در اتحاد جماهیر شوروي سابق ، همه جا به انسان چشم دوخته اند. چهچه هاي مادونا و مايکل جکسون بانگ اذان مؤذن هاي نظم جديد جهاني هستند." (۱۰)

در امپراطوري هاي وسايل ارتباطي ديگر خورشيد غروب نمي کند. هاليوود به عنوان مرکز نيروي جهاني مهمترين مواد اوليه ي پسين ماده گراني را عرضه مي کند. تيم وارنر مي خواهد کمپانيش را با کمپاني هاي بر اودکاسينگ کوئوپريشن و سي. ان. ان. تدتورنر ادغام نموده و بزرگترين کمپاني ارتباطي جهان را بوجود بياورد. ادغام ديسني و فرستنده ي تلويزيوني آ. بي. سي. بلحاظ قيمت دومين معامله ی بزرگ تاريخ اقتصاد امريکا محسوب می شود. کمپاني سوني صاحب کمپاني فيلم سازي کلمبيا است. کمپاني ماتسوشيوتا فرستنده ي عظيم ام. سي. آي. را در سال ۱۹۹۵ به کنسرن نوشابه سازي (سيگرام) فروخته است. کمپاني ارتباطي استراليايي روپرت مورداگ از خليج فارس تا کره را در زير پوشش خویش دارد. ماهواره هاي "استار" اين کمپاني که مرکزش در هنگ کنگ است ، چهار منطقه ي زماني جهان را که نيمي از جمعيت زمين را در خود جاي داده اند، زير پوشش خویش قرار داده اند. خانم هاي جذاب اجرا کننده ي برنامه هاي تلويزيوني چيني ، هندي ، ماليزيايي و يا عرب به زبان هاي محلي و يا انگليسي از طريق شش کانال اين ماهواره ، زمان ها و مکان ها را به هم پيوند مي دهند. مورداگ با اشتياق سعي دارد که از طريق مشارکت در کنال هاي ماهواره اي تلويزيون جمهوري توده اي چين ، آن ها را به شکل وسيعي گسترش دهد. در حال حاضر تنها سي ميليون از مردم جمهوري توده اي چين قادرند برنامه هاي ماهواره اي را به صورت مجاز و بدون پارازيت ، دريافت نمايند. قدرتمردان پکن هنوز مردد اند، ليکن به دست اندر کاران اين رشته به طور ضمني گفته اند که شرط دست يافتن استراليايي ها به اين هدف آنست که از پخش برنامه های سکسی و خشونت آميز و همچنين اخبار خود داری نمايند.

غول هاي ارتباطي از جمله کمپاني آلماني الاصل برتلزمن که لئوکیرش و سیلویو برلوسکوني از جمله رهبران طراز اولش مي باشند در زمره ي آن هاست ، براي اندیشیدن در چهار چوب آن "تي تي تایمنت " که گردانندگان جهان در گرد هم آبي هاي نظیر گرد هم آبي بنياد گورباچف در سانفرانسیسکو مطرح مي نمايند، به خوبي مجهز مي باشند. تصاویر توليدي اين کمپاني ها بر رویاهای انسانها حاکم گشته اند و می دانيم که رویاها نیز تعین کننده ي اعمال انسان ها مي باشند.

عطش بزرگ به "صدای گوسخراش " ملال آور

بازار تصاویر به همان نسبي که جهان را تسخیر می کنند ، خود را محدود مي نمايد. صنعت فيلم سازي آمریکا به طور متوسط ۵۹ ميليون دلار براي ساختن هر فيلم سينمائي هزینه مي کند. مبلغی که تولید کنندگان اروپايي يا هندي توان پرداخت آن را ندارند. (۱۱) تکنیک و تجهيزات فيلم هاي پرخرج دائما رکورد هاي تازه اي بر جاي مي گذارند. رکورد هايي که رقیبان به ندرت قادر به دستیابی بر آنند. از این رو کثرتش به سوي هالیوود و نیویورک هنوز هم ادامه دارد. این قول و قرار که به زودي در هر خانه اي ۵۰۰ کانال تلویزیوني گوناگون مورد استفاده قرار خواهد گرفت ، تنها در ظاهر يك تنوع محسوب مي گردد. زیرا که چند کنسرن بزرگ کالاهای خود را توسط کانال هاي متعددي براي بهتر مورد خطاب قرار دادن گروه هاي مختلف اجتماعي عرضه و باز گردش (رسیکلین) مي کنند. در کنار این امر، دستیابی به در صد بيشتري بيننده موجب تقويت روند تمرکز مي گردد. هزینه اي که مي بايد به خاطر دريافت حق بخش مسابقات بزرگ ورزشي پرداخت شود، تنها از طریق درآمدهاي بزرگ تبليغاتی قابل پرداخت اند، که تنها فرستنده هاي بزرگ و يا تجار بين المللي مي توانند به آن دست يابند. از سوي ديگر تنها تولید کنندگاني که در تمامی مناطق پخش برنامه ها حضور دارند و بیش از همه کنسرن هاي چند مليتي به تبليغات تلویزیوني و يا اجاره ي برنامه ها علاقه نشان خواهند داد. در آلمان تنها ده شرکت بزرگ تقريبا يك چهارم کل تبليغات تلویزیوني را بخود اختصاص داده اند. (۱۲) هزینه ي ۹۰ ثانيه تبليغ بين المللي برابر حد متوسط هزینه ي تهيه ي يك فيلم سينمائي اروپايي است. (۱۳)

شرکت هاي تبليغاتي از ارائه تصاویر ميهن مورد آرزوي مشتريانشان سود مي برند. توده هاي تماشاچي آلماني ديگر نیویورک و غرب وحشي را چنان دوست دارند که فرستنده ي تلویزیوني آر. ت. ال. بیش از نيمي از تبليغاتهم را در زمان بخش مسابقات فينال فوتبال جام قهرماني اروپا در ماه مه ۱۹۹۶، به کلیشه هاي اين دنياي ظاهرا آشناي دور اختصاص داده بود. (۱۴) اکنون ديگر قرص خورشيد به جاي آنکه در کاپري غروب کند، از پشت پل طلايي گیت به دريای آبجوي مارک "بکس" فرو مي رود. و يا صدای ترمز لاستیک هاي مارک کنتیننتال نه در نزديکي هاي نوربورگ آلمان يعنی محل توليدشان ، بلکه با برش هاي زیرکانه ي فيلم ، بر روي آسمان خراش هاي مانهاتان به گوش مي رسد.

رشد جهان بشریت را به عقب برمی گرداند. آنگونه که هنرمندی نیویورکی بنام روی استون پیش بینی می کند محصول نهایی منطقی این رشد در حوزه ی فرهنگی ، طنز و واحد و یکنواخت دنیای دلخراش آمریکایی خواهد بود. (۱۵) سال هاست که این جوان آوانگارد که به تدریج شهرتی جهانی می یابد برای تأیید این امر نمایشگاه هایی از جزئیات زندگی نیویورک بیست سال پیش در نقاط مختلف جهان از سیبری گرفته تا وین و لیسابون بر پا می کند. در این نمایشگاه ها تا آنجا که ممکن است از رنگهای تند، قدم های تقلا گونه و صفحه های پر سر و صدای تلویزیونی استفاده می شود. چه اتمسفر خسته کننده ای. (۱۶) سکوت در زمانی که همه چیز در فریاد است ، شاید بدیلی بسیار تحریک آمیز تر و قابل لمس تر باشد. سه اپرای خوان معروف به نام های خوزه کاررا، پلاسیدو دومینگو و لوسیاپوارتی در سفرهای هنری جهانی خویش در سال ۱۹۹۶ به این نظریه ی " دنیای دلخراش " روی استون واقفیت بخشید. در کنسرت های مختلفی که برگزار گردیدند و بلیط های تمامی آنها به فروش رسیده بودند، تماشاچیان به زحمت قادر بودند چیزی از محتوای ملودی های اپرا دریابند. ملودی هایی که غالباً یکسان و در همه جا یک مشخصه ی ویژه داشتند و آن این بود که می باید به خریداران کارت ورودی این احساس را منتقل می کردند که گویا واقعه ای بی نظیر را تجربه می کنند. در این برنامه ها خوانندگان برحسب قلمرو فرهنگی تماشاچیان ، با خواندن آهنگ هایی آن ها را باصطلاح درهم گداختند. برای ژاپنی ها آهنگ " کاوا-نو ناگاره نایومی " (افتان و خیزان تا به رود روان ابدیت) را خواندند. در سواحل دانوب ، دانوبی که هیچگاه آبی نبوده است ، در استادیوم پراتر در حضور بیش از صد هزار گوش غالباً متعلق به نوئروتمندان آلمانی و چکی و مجاری ترانه ی مبتذل " وین ، وین ، فقط تو را تنها" را اجرا نمودند. (۱۷)

این سه خواننده ی شور و شادی آفرین با تحریک حساب شده ی احساسات ملی شنوندگانشان از روش تبلیغاتی نوشابه بی همتای جهان یعنی کوکاکولا پیروی نمودند. کنسرت غول آسای کوکاکولا معجون قهوه ای رنگ خویش را در چین و ژاپن با طعم های مختلف عرضه می کند و شیرینی آن را به نسبت علائق سنتی و ویژه گی های هر بخش از کشور برمی گزیند. (۱۹) کوکاکولا در بازی های المپیک سال ۱۹۹۶ یک فیلم تبلیغاتی فراقاره ای را برای طرفداران ورزش برگزید. در هوای شرجی آتلانتا این کنسرت تماشاچیان غرق در تماشای مسابقات را از طریق جمله ای که با خط درشت بر روی سینه ی ورزشکاران نوشته شده بود، چنین مورد خطاب قرار می داد: "تشویق کردن کاری عطش انگیز است." (۲۰)

در اروپا نیز پدیده ی فرهنگی ورزش بگونه ای چشمگیر به وسیله ای تفریحی برای جامعه ی خوشگذران طرفدار بسته بندی های گول زنده تبدیل گشته است. یوآو هاوانژ رئیس فدراسیون جهانی فوتبال مایل است که در مسابقات فوتبال نیز همچون مسابقات راگبی آمریکایی وقت بیشتری برای پخش آگهی های تبلیغاتی در نظر گرفته شود. (۲۱) لیگ فوتبال سرتاسری باشگاه های دسته ی یک آلمان هویت جدیدش را در نزدیکی با بسکتبال آمریکا می جوید.

شوق دستیابی به مقام قهرمانی جای احساس تعلق فرهنگی را می گیرد. باشگاه بایر مونیخ در شهر هامبورگ بیشتر از مجموعه ی طرفداران دو باشگاه هامبورگی سن پاولی و ها. اس. فا. تریکو می فروشد. درآمد کنونی این باشگاه از محل فروش تریکوها و دیگر

اجناسي که به طرفدارانش عرضه مي کند بیشتر از کل درآمدش در اوایل سال هاي دهه ي نود مي باشد. هانس یوت اشترنلنورک محقق ورزشي مي گوید: "از آنجاکه رقابت هاي ورزشي سنتا از مقابله ي تیم هاي فوتبال شهرهاي مختلف بوجود آمد ، پس امروزه مي بايد اين رقابت ها بطور مصنوعي ايجاد گردند. يعني بازیکن در مقابل بازیکن ، بازیکن در مقابل مربی و مربی در مقابل رئیس باشگاه." (۲۲)

سیل کالاهای ناشی از میلیاردها نوع تقاضای جهانی شده در فروشگاه های مراکز خرید تمامی شهرهای جهان تل انبار گردیده است. و جمله ي طنز آلودی که ایوان ایلیچ منتقد تجاری زمانی در این مورد گفته بود به واقعیت مي پیوندد که: "عطش به صورت نیاز به نوشیدن کوکاکولا تغییر شکل داده است." (۲۳) در متروپل های جهان تابلوهای تبلیغاتی کنسرن هایی چون کالوین کلاین و کداک و لوئیس ویوتون غالب اند. شکل ارائه محصولات نیز با یکدیگر همسان مي شوند و این امر برای کسانی که کالایشان را هنوز بشکل سنتی کشورشان ارائه مي دهند، غالباً با سرعتی نابود کنند صورت مي پذیرد. تازه ترین قربانی این مسئله شهر وین این پایتخت فرهنگی اروپا است. از زمان ورود اتریش به بازار مشترک اروپا در سال ۱۹۹۶، مغازه های کوچک بیشماری که با انواع محصولات استثنایی درون ویتترین هایشان به مرکز شهر وین فضای مطبوعی بخشیده بودند، به علت لغو قوانین شدید نرخ گذاری ناچار به تعطیل گردیده اند. فروشگاه های زنجیره ای بین المللی بهترین مکان ها را تصاحب نموده اند. رستوران های سرپایی ، شرکت های عرضه کننده ی لباس های سکسی و فروشگاه های لوازم بهداشتی و آرایش بی بو و بی خاصیت شعبه های سترون خود را در این مکان ها افتتاح نموده اند.

دوران شهرها

شهروندان متعلق به اقشار میانی مراکز اقتصادی شکوفا، چه در سفرهای شغلی و چه در مرخصی هایشان با بدیهیت غیر مترقبه ای بر روی کره ی آبی رنگ در حال پژمرده شدن حرکت مي کنند. تا کنون نود میلیون نفر به طور منظم از اینترنت جهان تغییر دهنده استفاده مي نمایند و هر هفته نیم میلیون نفر به این تعداد افزوده مي گردد. (۲۴) یک بانوی عکسبردار اهل وین امروزه محله ی براودی نیویورک را بهتر از شهر اینسبروک اتریش مي شناسد. یک صراف لندن خود را به همکاران هنگ کنگی نزدیکتر احساس مي کند تا به رئیس شعبه ی یک بانک هامپتون جنوبی. همه ی آن ها خود را شهروندان خوش فکر جهان مي دانند، غافل از اینکه پیوندهای جهانی شدنی شان غالباً بسیار شهرستانی و محدود به محیط زندگیشان مي باشد. سفرهای خبرنگاران ، متخصصین سیستم های رایانه ای و هنرپیشگان بیشتر و پرمشقت تر از سفرهای دیپلمات ها و کارمندان وزارت امور خارجه است. پیش از ظهر در شهرکی در مجارستان در نزد یک مشتری ناامید و یا همنشین دلریا، بعد از ظهر قرار ملاقاتی در هامبورگ، عصر همصحبتی با دوست دختری جدید و تقریباً دوباره از دست رفته در پاریس ، روز بعد در مرکز شرکت در یک جایی از جهان و بعد پرواز به طرف ایالات متحده و یا آسیای جنوب شرقی. آنکس که در هنگام بیدار گشتن از خواب به چند ثانیه ای وقت نیاز دارد تا به خاطر بیاورد که آن شب را در کدام قاره به صبح رسانیده است ، در زمره ی پیشقراولان کلوپ مسافران دائمی جهان مي

باشد. چنین کسانی همچون هاینس دیتريش گنشر وزیر امور خارجه ي گذشته ي آلمان در جمع دوستان کمی که دارند به شوخي مي گویند: "باید مواظب باشی که در هنگام عبور از بخش کنترل فرودگاه با خودت که داری دوباره از سفر باز می گردی روبرو نشوی." این شوخي تنها چیزی است که در درماندگی این انسان ها برایشان باقی می ماند. معذالك هستند بسیاری که به حال چنین انسان هایی غبطه می خورند. به انعطاف پذیریشان ، به در آمدشان و به جهان گردیشان.

لیکن این پیک های همیشه در حرکت جهانی شدنی اگر در آخر شبی در رستوران یکی از معروفترین هتل ها مثلا در رافلز سنگاپور، در ساوی مسکو و یا در قصر کوپاکاپانای ریو د ژانیرو بطور اتفاقی مثلا با یک همکلاسی قدیمی شان که هر چند سال يك بار به عنوان توریست به نقطه ای از جهان پهناور سفر می کند روبرو شوند ، دردهای دلشان را بیرون می ریزند و به دور از همه چیز حتی خویشتن خویش ، از پوچی فلج کننده و انزوایی که حد اکثر بعد از هشتمین پرواز میان قاره ای سالیانه شان بر آنها غلبه می کند شکوه می کنند. مخده ای که مسافران دائمی پرواز های بی شمار بر روی آن لمیده اند گر چه جهانی شده ، لیکن یکنواخت و بی انعطاف است: آن ها در سراسر جهان در فرودگاه های بگونه ای نفرت انگیز معتبر، لیکن بینهایت شبیه به هم ، در هتل ها و رستوران های رنجیره ای ، در اتاق های مجهر به تهوه ي مطبوع ، لیکن بد بوي هتل ها، بیحس گشته از دیدن فیلم های یکنواخت ویدیویی ، زندانی اند. روان این درمانده ها به سرعت تن هایشان سفر نمی کند. در روان آن ها نیروی لازم برای راه دادن به پدیده های دیگرگونه ، ناآشنا و واقعا جدید یا هرگز وجود نداشته است و یا آنکه دیر زمانیست که دیگر از بین رفته است. بدین طریق آن ها ظاهرا در همه جا هستند، لیکن در واقع در يك مکان واحد باقی مانده اند. ظاهرا همه چیز را می بینند، اما در اصل تنها همان چیزهایی را می بینند که می شناسند و بدین گونه همچون کسانی که در خانه هایشان مانده اند و کارت های تلفن ، تمبر و یا درهای شیشه های آجو جمع می کنند، بلیط های شرکت های هواپیمایی را جمع می کنند.

معذالك اینگونه در حرکت بودن ها، حداقل برای انسان های جهت شناس ، راهی را که بشارت دهنده ي نظام جهانی مهیج جدید می باشد، نشان می دهد. کمی بعد از پا نهادن به قرن جدید بافت تنگی از شبکه های الکترونیکی ، تلفن های ماهواره ای دیجیتالی ، فرودگاه های پر ظرفیت و مجموعه های صنعتی دارای معافیت های مالیاتی تقریبا سی شهر بزرگ جهان را که در هر يك از آن ها هشت تا بیست و پنج میلیون نفر زندگی خواهند نمود، به هم متصل می نمایند. اهالی این متروپل ها که همچون نقطه های نورانی که به طور اتفاقی بر روی کره ي زمین پخش گردیده اند، به نظر می رسند، از وراي هزاران کیلومتر فاصله خود را به یکدیگر نزدیک تر احساس می کنند تا به اهالی شهرهای همسایه شان در کشوری که تا کنون تاریخ آن ها را رقم زده است. ریکاردو پترلا آینده شناس ایتالیایی معتقد است که در آینده قدرت در دست "اتحادیه ای از بازرگانان و شهرداری ها قرار خواهد داشت که قبل از هر چیز آن دسته از کمپانی های جهانی را تقویت می نمایند که در خود جا داده اند." (۲۵) همین حالا نیز متروپل های آسیایی در همه جادرحال سبقت گرفتن اند. در تمامی قاره ها جوانان در مقایسه با والدینشان در شهرهایی که توسط جهانی شدنی کاملا تغییر چهره داده اند، پرورش می یابند. دیگر پاریس و لندن و نیویورک یا مسکو و شیکاگو به عنوان شهرهای درجه يك جهان جلوه ای ندارند. بلندترین آسمان خراش جهان از ماه مارس سال ۱۹۹۶ در کوالالمپور پایتخت مالزی سایه افکن

است. در حال حاضر بیشترین جرثقیل ها نه در برلین ، بلکه در پکن و شانگهای بر پا ایستاده اند.

در حفاصل میان پاکستان و ژاپن يك دوجین مناطق پرجهش اقتصادي به عنوان بازیگران جدید صحنه ي رقابت هاي جهاني وجود دارند که در تب تسخیر نقش هايي هستند که شهرهاي دنياي غرب تاکنون بازي کرده اند. بانکوک مي خواهد نقش ديترويت را به عنوان متروپل توليد اتومبيل به عهده بگیرد. کمپاني هاي توليد کننده ي اتومبيل هاي تويوتا، هوندا، میسوپيشي و ایزوسو مدت هاست که اتومبيل هايشان را در تایلند مونتاژ مي کنند. کریسلر و فورد شعبه هاي تایلند خود را به عنوان پایگاه هاي اصلي کنسرن خویش در آسیاي جنوب شرقي گسترش مي دهند.

تایپه خود را جانشین "سیلیکان ولی" مرکز رایانه ی آمریکا می داند. مالزی می خواهد به مرکز صدور تکنیک هاي پیچیده تبدیل گردد. از سوي دیگر بمبئی با توليد سالیانه ي ۸۰۰ فیلم سینمایی چهار بار بیشتر از هالیوود فیلم توليد مي کند. اجاره ي دفاتر کار در سنگاپور تمامی رکوردهاي تاکنوني ژاپن را شکسته است.

سنگاپور بیش از همه سعی دارد که نقش اصلي را به عنوان گره عصبي شهرهاي عظیم جدید آسیا و رقیب توکیو و نیویورک به عهده گیرد. هو یانگ سهایو رئیس بخش اقتصادي کمیسون شهرسازي سنگاپور در این مورد مي گوید: " ما مي خواهيم تا سال ۲۰۱۰ مرکز مالي بين المللي غرب اقیانوس کبیر گردیم." بزرگترین تجدید چهره ي تاریخ شهر سازي از زمان خلق مجدد پاریس توسط بارون هاوسمن در قرن نوزدهم ، در شانگهای صورت مي گیرد.

تقریباً تمامی این شهر به کلي خراب مي گردد و به جایش يك شهر جدید ساخته مي شود. دویست و پنجاه هزار خانوار تاکنون ناچار به ترك مرکز شهر بوده اند.. ششصد هزار خانوار دیگر نیز تغییر مکان داده خواهند شد. به جاي آن ها دفاتر ۴۰ شرکت از ۱۰۰ شرکت چند ملیتي جا داده می شوند.

کمپاني زیمنس مي خواهد در ساختمان مترو سهیم گردد. فولکس واگن شانگهای امسال دویست و بیست هزار اتومبیل توليد مي کند. از سال ۲۰۰۰ توليدش به دو میلیون اتومبیل در سال مي رسد. هنگ کنگ که در سال ۱۹۹۷ به جمهوری خلق چین باز داده خواهد شد، مي خواهد با شانگهای رقابت کند. کلینت مارشال یکی از بانکداران بزرگ مي گوید: "شرایط جغرافیایی به نفع ماست. فقط ۲۰ کیلو متر دورتر ایالت در حال شکوفائی چین یعنی کوان دونگ قرار دارد که از هم اکنون به بازارهاي جهاني جنس صادر مي کند. (۲۶)

در این میان ترقی اقتصادي چین يك امر سرتاسري شده است. حتی اگر بعضي اتفاقات غیرمنتظره ي تلخ و شیريني را نیز عرضه کند. چین مي تواند در سال ۲۰۰۰ با " اقتصاد سوسیالیستی " دنگ سیائو پینگ به دومین قدرت اقتصادي جهان تبدیل گردد. -قبل از ژاپن و آلمان- در سال هاي دهه ي ۸۰ معلمین دبیرستان هاي اروپایی شاگردان خود را از "خطر زرد" بر حذر مي داشتند ، اما اتفاقي نیفتاد، لیکن اکنون مردان چینی به اروپا آمده اند. کارگران کنسرن فولاد سازي مایهان شانگهای تقریباً به صورت بیست و چهار ساعته در شهر ناپل مشغول به کار هستند. آن ها يك دستگاه ریختگری بیست و چهار تتي را در

محوطه ي ۱۰۰ هكتاري كارخانه ي تعطيل شده ي كنسرن ايتاليائي باگنولي از هم باز مي كنند. در تابستان ۱۹۹۷ مي بايد اين قطعات چهارده هزار كيلومتر دورتر در شهر ساحلي نانينگ در كنار رودخانه ي يانگتسه دوباره به هم جوش داده شوند. كنسرن فولاد سازي تيزن آلمان نيز يكي از كوره هاي فولادپزي خود را كه كل ظرفيتش نمي تواند در آلمان مورد استفاده قرار گيرد، براي صدور به هندوستان از هم باز مي كند. شركت فوست-آلپينه اتريش تمامي يك كارخانه ي فولاد سازي مدل ال د-۲ را از شهر لينتس به مالزي منتقل مي نمايد. مشتريان آسياي جنوب شرقي طالب كالاها مرغوب اند. آنها آخرين كساني هستند كه از ميلياردها مارك كمك هاي مالي دولت به صنعت فولاد سازي اروپا در چند دهه ي گذشته ، بهره مي برند.

جهانی شدنی با چنین سرعت غیرقابل تصوري به پیش می رود. یکی از اقتصاددانان آمریکایی به نام ادوارد لوت واک دوران جدید را چنین توصیف می کند: جهان شدنی با سرعتی غیر قابل تصور به پیش می رود و از اتحاد "آبگیرها، نهرها، دریاچه ها و دریاهاي اقتصاد روستایی ، شهری ، منطقه اي و ملي ، يك اقیانوس واحد اقتصادي جهانی شده را بوجود می آورد كه مناطق كوچك رابه جاي امواج كوچك و جز و مدهاي آرام گذشته ، دچار امواج عظيم و خروشان رقابت هاي اقتصادي مي نمايد. (۲۸)

تمامی جهان يك بازار واحد است و ظاهرا تجارت صلح آمیز شكوفا می گردد. آیا بدینوسیله یکی از رویاهای بشر به واقعیت می پیوندد؟ آیا ما ساکنین کشورهای تا کنون مرفه صنعتی نمی باید از ترقی این همه کشورهای در حال توسعه خوشحال باشیم؟ آیا صلح جهانی در دسترس قرار نگرفته است؟ نه.

روایي مارشال مك لاهان اندیشمند کانادایی در مورد "دهکده ي جهانی " بمثابة يك دهکده ي متجانس بهیچوجه برآورده نشده است. همزمان با اینکه مفسرین و سیاستمداران این استعاره را بیوقفه به کار می برند، معلوم می گردد كه جهان واقعي چقدر كم به هم جوش خورده است. گر چه بیش از يك ميليارد بینندگان تلویزیون تقریبا همزمان مسابقه ي بکس میان آكسل شولتس و مايكل مورو را در ماه ژوئن ۱۹۹۶ در استودیوم وست فال دورتموند تماشا کردند. یا آنكه برنامه ي افتتاحیه ي المپيك آتلانتا با سه و نیم ميليارد بیننده ، بزرگترین واقعه ي تلویزیوني هزاره ي كئوني محسوب می گردد، لیکن از يك دنیا تصویری جهانی شده در مسابقات بکس و یا رقابت هاي ورزشي المپيك هنوز نمی تواند يك مرآده ي متقابل ، يك با هم بودن دائمی به وجود آید. نزدیکی تلویزیوني و همزمانی پخش این وقایع بهیچوجه به معنی وابستگی فرهنگی و یا مساوات اقتصادی نیست.

تجلي المپيكي

بیش از آنکه ترور پوشیده یعنی ترور شاخص راست نور زننده ي نفاق اجتماعي موجود درکشور آمریکا را بر بازي هاي تلویزیوني المپيك آتلانتا بیاندازد، خود برگزارکنندگان این

بازي ها بطلان همبستگي ملي خود را آشكار نمودند. آن ها ابتدا بيشرمانه مقام ۸۵ هزار تماشاچي را كه ۶۳۶ دلار براي هر كارت ورودي پرداخته بودند تا حد سياهي لشكري تنزل دادند كه مي بايد براي سيل تصاوير سحر انگيز تلويزيوني دستمال ها، چراغ قوه ها و مقواهاي رنگيني را طبق دستور و متناسب با جاي دوربين ها، تكان مي دادند. كلمه ي "رويا" كه مبلغين جامعه ي آمريكائي به آن حتي بيشتر از آزادي سوگند مي خوردند، به تك ستاره ي درخشان مراسم افتتاحيه المپيك تبديل گرديد. دفترچه ي پرحجم و مبتذل برنامه ي بازي ها اعلام مي نمود كه آتلانتا مقياسي براي "رويا"ها مي باشد. آوازه خواني به نام سلين ديون آهنگ "نيروي روياها" را خواند. شعري از ادوارد آلن پو بر روي تابلوي الكترونيكي اعلانات

براي دقايقى به تماشاچيان گوشزد مي كرد: "چنان روياهايي داشته باشيد كه هيچ كس تا كنون جرئت داشتن آن ها را نداشته است." سرانجام صداي مبارز سياهپوست آمريكايي مارتين لوتر كينگ با جمله ي معروفش كه مي گويد: "من رويايي داشتم" در سراسر استاديوم طنين افكند. (۲۹)

كدام رويا را؟ آيا اين رويا را كه سه دهه بعد از قتلش در استاديوم جديد و زيباي زادگاهش تماشاچيان مرفه و تقريبا تماما سفيدپوست هنگام شنيدن صداي پراتعاش ليكن نامفهوم وي از يك ضبط صوت، در خود احساس لرزش مطبوعي نمايند؟ آيا مارتين لوتر كينگ حتي در روياهايش نيز مي توانست تصور اين مسئله را بكد كه به خاطر بازي هاي المپيك تمامي بي خانمان هاي آتلانتا را كه تقريبا همه سياهپوست بودند - براي آنكه تيم هاي تلويزيوني بين المللي چهره ي واقعي آمريكا را نبينند - از مركز شهر جمع آوري نموده و با اتوبوس به نقاط دور افتاده برده بودند؟

به هر جهت در اين متروپل ايالت جنوبي آمريكا كه با فقيرآباد هاي تميز گشته و آسمان خراش هاي عظيم خود آن چنان فاسد به نظر مي رسيد، همچون در كوالالامپور پايتخت در حال ترقي مالزي، سياهان و فقيران همچنان گمنام باقي مي مانند. باربارا پيل توليد كننده ي حساس طبع برنامه هاي تلويزيوني و يكي از مديران كنسرن ارتباطي تد تورنر در آتلانتا كه انحصار پخش راديو - تلويزيوني بازي ها را داشت، با طنز از خود دفاع كننده اي مي گويد: "تا كنون در ميان آسمانخراش هاي كوكاكولا و سي.ان.ان. چند محله ي فقير نشين با آپارتمان هاي ارزان قيمت وجود داشت. ساكنين اين آپارتمان ها به خاطر ساختن دهكده ي المپيك قرن، توسط كنسرن اي.تي.اند.تي. از خانه و كاشانه ي خويش رانده شدند و در آينده كاركنان اين كنسرن ها مي توانند بدون هرگونه مزاحمتي ميان مراكز كنسرن خويش قدم بزنند. (۳۰)

ادامه دارد

Socialistha@ois-iran.com

www.ois-iran.com